

صفر. چرا آنارکوفمینیسم؟

گروه انقلابی آنارکوفمینیست دوبلین^۱

چرا آنارکوفمینیسم؟

گروه انقلابی آنارکوفمینیست دوبلین گروهی از زنان آنارکوفمینیست در دوبلین ایرلند^۲ است. ما همگی فمینیست‌هایی هستیم که بر وجود انقیاد زنان توافق نظر داریم و معتقدیم که باید مبارزه خود را در کنار مبارزه علیه دیگر اشکال ستم پیش ببریم و اجازه ندهیم که این مبارزه به عنوان امری حاشیه‌ای یا انحرافی تلقی شود. ما همگی آنارشیست‌هایی هستیم که حول محور باورمان به نیاز به خلق بدیل‌های برای جامعه‌ای پدرسالارانه و کاپیتالیستی که در آن همه تحت سلطه استثمار می‌شوند، متحد شده‌ایم. ما برای بحث درباره چیزهایی که برایمان اهمیت دارد، به طور هفتگی در قالب یک گروه گردهم می‌آییم. ما پنج شماره از مجله‌ای به نام *راگ*^۳ را منتشر کردیم و به فراخور شرایط جلساتی عمومی نیز برگزار کرده‌ایم. مقاله‌ای که در ادامه می‌آید بر اساس یادداشت‌هایی از یکی از جلسات عمومی مباحثه با عنوان «چرا آنارکوفمینیسم؟» نوشته شده است. این مقاله کوتاه اشاراتی مختصر به گستره وسیعی از موضوعات دارد، بنابراین برای مطالعه تحلیل عمیق‌تری از مسائل مطرح‌شده، لطفاً به مجله *راگ* مراجعه کنید.

آنارشیسم چیست؟

در حالی که گاهی به سوسیالیسم لیبرترین تعریف می‌شود، هدف نهایی آنارشیسم یک دموکراسی تمام‌عیار است — این که هر فرد حق اظهارنظر مستقیم درباره مسائلی را داشته باشد که زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نه این که به حکومت تکیه کند تا نماینده او باشد. این مستلزم نابودی دولت، سلسله‌مراتب و جامعه طبقاتی است و همچنین ساخت سیستمی غیرسلسله‌مراتبی و پایین‌به‌بالا از سازمان‌هایی همچون شوراهای اتحادیه‌های محلی، برای جاگزینی با سیستم قبلی. برای کسب آمادگی برای تغییر بنیادین، نیاز به کنش و سازمان‌دهی قدرتمند مردمی احساس می‌شود. بیشترین تعداد ممکن از مردم باید به طور شخصی در سازماندهی برای به دست گرفتن کنترل منابعمان و دفاع از منافعمان مشارکت کنند و از حقمان برای انجام این کار کوتاه نیایند.

1. Revolutionary Anarcha-Feminist Group Dublin (RAG)

2. Ireland

3. *The Rag*

طبقه و فمینیسم

آنارکوفمینیست‌ها تلاش کردند با گسترش درک ابعاد و پیامدهای طبقه، نژاد، توان، و گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی، توجه خود را به این واقعیت معطوف نگه دارند که همهٔ زنان سرکوب شدن به عنوان یک زن را به شکل یکسانی تجربه نمی‌کنند. تلاش داریم از امتیاز خود آگاه بمانیم و در جریان مبارزات زنان در سراسر جهان باشیم و از آنان بیاموزیم.

بر اساس دیدگاهی دیگر، برخی آنارشیست‌ها فمینیسم را مسئله‌ای تفرقه‌انگیز می‌دانند که حواس ما را از مسئلهٔ «واقعی» یعنی نزاع طبقاتی پرت می‌کند. به لطف آنارکوفمینیسم، رویکرد آنارشیستی به شکل فزاینده‌ای پذیرفت که جنسیت‌زدگی وجود دارد و مسئله‌ای جانبی نیست که با پایان کاپیتالیسم خود به خود از بین برود. زمانی که آنارشیست‌ها مدام بر این تأکید می‌کنند که تمام تجارب پدرسالاری به طبقه ارتباط دارد، بر واقعیتی دیگر سرپوش می‌گذارند: تجربهٔ طبقه از منظر زیست جنسیت‌های مختلف تفاوت می‌کند.

در بحث‌های سنتی آنارشیستی، محل انقلاب معمولاً محل کار بوده است؛ از دیدگاه فمینیستی، خانواده و بدن نیز ساحت‌های دیگری برای نزاع هستند. این به معنای دقیق کلمه «ابزار تولید»¹ ماست که باید برای به تصرف درآوردن آن مصمم باشیم.

هویت آنارکوفمینیستی

برای آنارکوفمینیست‌ها راحت‌تر است تا به شکل عمومی ذیل عنوان فمینیست هویت‌یابی کنند، تا آنارشیست. این مسئله به این دلیل است که بسیاری که به هیچ‌کدام از این مفاهیم فکر نکرده‌اند بیشتر تمایل دارند این پیش‌فرض را که زنان و مردان باید برابر باشند، بپذیرند تا این که ذات سیستم‌های اقتصادی و سیاسی کنونی را مورد پرسش قرار دهند. بسیاری که اذعان می‌کنند به برابری باور دارند، زندگی بدون کاپیتالیسم یا این که سیستم‌های اقتصادی بر مسئلهٔ برابری تأثیر می‌گذارند، حتی در تصوراتشان نمی‌گنجد. علاوه بر این، آنارشیسم بار معنایی منفی دارد، برای مثال می‌توان به برداشت اشتباه از آنارشیسم به عنوان هرج‌ومرج و خشونت اشاره کرد. عجیب اینکه بعضی از آنارشیست‌ها نیز به دلیل بار معنایی منفی عنوان فمینیست، تمایلی به هویت‌یابی با این عنوان ندارند. کار سیستم کاپیتالیست در به انحراف کشاندن معنای مفاهیمی که تهدیدی آشکار برای این

1. Means of production

سیستم هستند، بسیار مؤثر واقع شده است. برایمان مهم است که به طور شفاف اعلام کنیم که فمینیست و آنارشیست هستیم، و این که این را به عنوان راهی برای آزادی می بینیم.

برابری، نه یکسانی

باور داریم برابری واقعی هرگز در هیچ سیستم کاپیتالیستی‌ای قابل دستیابی نیست. کاپیتالیسم فقط به اندازه‌ای امتیاز می‌دهد که توهم قانع‌کننده‌ای از برابری ایجاد کند. آرمان‌هایی که فمینیست‌های اولیه شجاعانه برای آن جنگیدند کاملاً از معنا تهی شده و دوباره به ما در قالب شعار صورتی و استریل قدرت دختران^۱ فروخته شده است. تا زمانی که سکسی باشیم، می‌توانیم هرچه می‌خواهیم بشویم — سیاستمدار، ورزشکار، دانشمند یا «زن خانه‌دار». به طور شفاف اعلام می‌کنیم زمانی که فمینیسم پیروز شود، این پیروزی به نام برابری برای همه مردم خواهد بود، نه به کام انحصار و امتیاز. فمینیسم واقعی مستلزم بازسازی اجتماعی کامل است که اساساً می‌توان آن را آنارشیسم واقعی دانست.

یکی از سوءفهم‌ها درباره جنبش فمینیستی این بوده است که برای این که با مردان برابر شویم، باید با آن‌ها یکسان باشیم. زنان نیز پایه‌پای مردان به محل کار مدرن شتافتند تا دسترسی برابری به استثمار داشته باشند. بسیاری از زنان احساس می‌کند بیرون و داخل خانه دو شیفته کار می‌کنند. کاپیتالیسم به شکل مؤثری از پدرسالاری استفاده می‌کند و از بسیاری جهات بر آن تکیه دارد — برای مثال از طریق خانواده هسته‌ای به عنوان واحد بهره‌برداری و کنترل مؤثر. کاپیتالیسم ارزشی برای کار زنان در تولید و مراقبت از کودکان، در خانه‌داری و در مراقبت از افراد بیمار و مریض قائل نیست. سیستم ارزش در کاپیتالیسم بر سود مبتنی است؛ تنها آن که سود تولید می‌کند فردی مولد دانسته می‌شود.

فمینیسم کویر^۲

فمینیسم و تئوری کویر^۳ همپوشانی دارند (کویر بودن را کمابیش می‌توان به ناهمنوایی^۴ جنسی یا جنسیتی تعریف کرد). آنارکوفمینیسم سیال بودن جنسیت را به رسمیت می‌شناسد و باور دارد جنسیت چیزی است که از زمان تولد به عنوان راهی برای رفتار کردن/حرف زدن/فکر کردن ساخته می‌شود. آنارکوفمینیسم^۵ جنسیت

-
1. Girl Power
 2. Queer
 3. Queer theory
 4. Non-conformism

باینری را برساخت اجتماعی می‌داند و معتقد است جامعه 'مردم را به «مذکر» و «مؤنث» تقسیم می‌کند و آن‌ها را که در چارچوب‌های جنسیتی خشک و غیرمنعطف نمی‌گنجند، سرکوب می‌کند.

با وجود این که در برخی کشورهای ثروتمند کاپیتالیستی تفاوت‌ها در مسائل مربوط به جنسیت و سکسوالیته تا حدی پذیرفته شده هستند، در نهایت تنها به عنوان انتخابی برای سبک زندگی قابل قبول هستند، نه به عنوان نیرویی انقلابی، یعنی همان چیزی که در نهایت باید باشد. نابودی سیستم‌های کاپیتالیسم، دولت و پدرسالاری به انفجاری در اشکال مختلف بودن می‌انجامد — سکسوالیته‌ها، هویت‌های جنسیتی، ساختارهای خانواده، و موارد دیگری از این قبیل.

پدرسالاری و مردان

مبارزه برای برابری زنان با سوء نیت «جنگ بین جنس‌ها» جلوه داده شده است. با این وجود، فمینیسم به گسترش آگاهی از سرکوب مردان تحت سلطه کاپیتالیسم منجر شده است؛ چیزهایی مثل تبعیت بی‌چون‌وچرا از نقش‌های جنسیتی مردانه، وظیفه «تأمین» در ساحت کار و نداشتن حق برابر برای والدگری فعال. سرکوب مردان به اشتباه محصول جنبش فمینیستی دانسته شده یا گمان شده این سرکوب مورد توجه این جنبش نیست. در حالی که اغلب از خلال گفت‌وگویی فمینیستی بود که فضایی برای بحث درباره این جنبه‌های زندگی و تجربه‌های مردان گشوده شد. هواداران همبستگی فمینیستی بین مردان و زنان می‌توانند اقدامات مؤثری در زمینه این مسائل انجام دهند.

اصلاح معنادار

با تلاش فمینیست‌ها تغییرات واقعی زیادی در زندگی زنان ایجاد شده است. این شامل حق رأی، حق کار بیرون از خانه، قوانین اجرایی برای کاهش نابرابری پرداخت‌ها و چارچوب‌های قانونی حمایت‌گرانه برای کاهش خشونت خانگی و مواردی دیگر از این دست می‌شود. برخلاف آنارشیسم، ایدئولوژی فمینیستی می‌تواند به عنوان اصلاحات درون‌ساختاری سیستم کاپیتالیست پذیرفته شود و این اتفاق تا حدودی به وقوع پیوسته است. با این حال عمده‌تاً این سوسیالیست‌ها و آنارشیست‌ها بودند که در پشت پرده، از طریق جنبش‌های اتحادیه‌های کارگری، کنش علیه نژادگرایی¹، کار جمعی و جنبش‌های رهایی‌بخشی زنان، نقشی کلیدی ایفا کردند. متأسفانه بسیاری از اهداف نهایی آن‌ها که برای ایجاد این اصلاحات جنگیدند، امروزه به دست فراموشی سپرده شده است.

1. Racism

دستاوردهای آنان به عنوان دستاوردهای «دموکراسی» مصادره شده است، در حالی که اینها امتیازاتی هستند کنشگرانی که در زمانه خود به رادیکال بودن محکوم می شدند، به زور از چنگ سیستم درآورده اند.

درحالی که برای اصلاحات معنادار می جنگیم (برای مثال حق پایان خودخواسته بارداری و کار مراقبتی رایگان برای کودکان)، می خواهیم درباره چیزی که برای آن می جنگیم روراست باشیم: نه فقط برابری برای زنان، بلکه برابری مطلق. غایت نهایی فمینیسم^۶ آنارشسیسم است.